

تبلیغ و تقریب

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال اول - شماره دوم

بهار و تابستان ۱۴۰۲

بایسته‌های تبلیغ در مناطق مشترک

حجت‌الاسلام والمسلمین موسی‌الرضا تیموری*

مقدمه

«تبلیغ» به معنای رساندن پیام به دیگران از طریق برقراری ارتباط با هدف ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار اشخاص بر سه عنصر اصلی پیام‌دهنده، پیام‌گیرنده و محتوای پیام استوار است؛ نتیجه آن در کوتاه‌مدت یا بلندمدت، سبب اقناع یا ترغیب مخاطب به انجام عمل موردنظر یا تغییر در فکر، اندیشه و بینش وی می‌شود. درحقیقت تبلیغ را باید فرایندی از روش‌های به‌هم‌پیوسته برای بسیج کردن و جهت‌دادن به نیروهای فردی و اجتماعی از طریق نفوذ در شخصیت، افکار، عقاید و احساسات به منظور رسیدن به هدفی مشخص دانست. تبلیغ دین نمونه‌ای از تبلیغات ارزشمند در جامعه برای هدایت بشری و رساندن انسان‌ها به کمالات و معنویت و تبیین درست حقایق دینی است که این رسالت درحقیقت توسط پیامبران و جانشینان آنان و عالمان، مبلغان و مروجان دین انجام می‌شود؛ البته از این نکته نباید غافل شد که تبلیغ نوعی هنر است که همانند همه هنرها، برای تأثیرگذاری و ماندگاری، به ابزار و روش نیاز دارد و بدون آن، نتیجه‌بخشی و ماندگاری تبلیغ، اندک یا بی‌ثمر است؛ بنابراین رعایت آداب و روش‌های تبلیغ در مناطق مشترک ضرورتی دوچندان دارد.

در این نوشتار به یکی از بایسته‌های محتوایی تبلیغ در مناطق مشترک بیان می‌شود.^۱

تبیین صحیح جایگاه صحابه از دیدگاه تشیع

یکی از مباحث مطرح و به‌گونه‌ای مورد مناقشه در جهان اسلام، موضوع صحابه و یاران

* دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم.

۱. برای شناخت کامل بایسته‌های تبلیغ در مناطق مشترک، ر. ک به: فصلنامه ره‌توشه مناطق مشترک، شماره‌های ۶، ۸

و ۱۰ و دوفصلنامه تبلیغ و تقریب، ش ۱.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و جایگاه آنان بین امت اسلامی است که متأسفانه گاهی سبب اختلاف و نزاع و دشمنی شده است؛ بنابراین ضروری است مبلغان در صورت وجود فرصت مناسب به ویژه در نشست‌های علمی و صمیمی به طرح این موضوع بپردازند و به شبهات و سخنان ناصوابی که به شیعیان نسبت داده می‌شود پاسخ بگویند. برای تبیین بحث و آشنایی بیشتر، به‌اجمال از این بحث نکاتی طرح می‌شود.

صحابه در لغت به کسی گفته می‌شود که همنشین و ملازم دیگری است و مدتی طولانی با او معاشرت و ملازمت دارد.^۱ در اصطلاح تعاریف متعددی برای صحابه بیان شده است. برخی گفته‌اند: صحابی کسی است که همنشین با پیامبر بوده است و حضرت را هر چند در یک لحظه از روز دیده باشد یا صحابی کسی است که در حال اسلام حضرت را دیده باشد و در حال اسلام نیز از دنیا برود. بعضی دیگر گفته‌اند: صحابی کسی است که یک سال تمام با پیامبر بوده است یا دست‌کم در یک جنگ با آن حضرت همراه بوده باشد.^۲ این تعریف از صحابه شهرت دارد: «الصحابه كل من رأى النبي صَلَّى اللهُ عليه وسلم في حياته مؤمناً به، ومات على الإسلام»^۳ صحابه کسی است که پیامبر را در زمان حیات مبارکش دیده است، به او ایمان آورده و با دین و ایمان از دنیا رفته است».

صحابه در قرآن و روایات جایگاه ویژه‌ای دارند. صریح‌ترین آیه قرآن در این موضوع، آیه ۲۹ سوره فتح است که خداوند متعال می‌فرماید:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَتَّارَزَهُ فَاسْتَعْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوْقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا^۴؛ محمد [ص] پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند آنان را در رکوع و سجود می‌بینی فضل و خشنودی خدا را خواستارند علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره هایشان است این صفت ایشان است در

۱. ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ماده «صحاب».

۲. سیدمرتضی رضوی، آرا علماء المسلمین فی التقیه و الصحابه و صیانه القرآن الکریم، ص ۱۰۰.

۳. ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ص ۸.

۴. فتح: ۲۹.

تورات و مثل آنها در انجیل چون کشته‌ای است که جوانه خود بر آورد و آن را مایه دهد تا سبتر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است».

امام صادق علیه السلام درباره صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعابیر جالب و قابل توجه دارند:

كَانَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ إِثْنِي عَشَرَ أَلْفًا، ثَمَانِيَةَ أَلْفٍ مِنَ الْمَدِينَةِ وَالْأَنَامِ مِنَ مَكَّةَ وَالْأَنَامِ مِنَ الطَّلَقَاءِ وَلَمْ يَرِ فِيهِمْ قَدْرِيٌّ وَلَا مُرْجِيٌّ وَلَا حَرْوَرِيٌّ وَلَا مُعْتَزَلِيٌّ وَلَا صَاحِبُ رَأْيٍ كَانُوا يَبْكُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَيَقُولُونَ اِقْبِضْ أَرْوَاحَنَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْكُلَ خُبْرَ الْخَمِيرِ؛^۱ اصحاب رسول خدا دوازده هزار نفر بودند؛ هشت هزار از مدینه و دو هزار از مکه و دو هزار از آزادشدگان، میان همه آنان نه يك نفر جبّري مذهب بود و نه مرجّني مذهب و نه حروري مذهب و نه معتزلي مذهب و نه کسی که به رأي و قیاس عمل کند. آنان شبانه‌روز گریه می‌کردند و به خدا عرضه می‌داشتند: جان ما را بگیر پیش از آنکه نان خمیر تازه پخت‌شده را بخوریم.

امام سجاد علیه السلام در دعای چهارم صحیفه سجادیه از راه مناجات و دعا، خدمات ارزشمند پیروان و تصدیق‌کنندگان پیامبران از حضرت آدم تا خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله را سپاس می‌نهد و بر آنان که نقش اساسی و بسزایی در گسترش و ماندگاری ادیان توحیدی و شریعت الهی داشتند، به‌ویژه یاران وفادار و صادق پیامبر اعظم درود خاص نثار می‌دارند:

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَالَّذِينَ أَبْلَوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ، وَ كَانْفُوهُ، وَ أَسْرَعُوا إِلَيَّ وَفَادَتِهِ، وَ سَابَقُوا إِلَيَّ دَعْوَتِهِ، وَ اسْتَجَابُوا لَهٗ حَيْثُ أَسْمَعَهُمْ حُجَّةَ رِسَالَتِهِ وَ فَارَقُوا الْأَرْوَاحَ وَالْأَوْلَادَ فِي إِظْهَارِ كَلِمَتِهِ، وَ قَاتَلُوا الْآبَاءَ وَالْأَبْنَاءَ فِي تَثْبِيْتِ نُبُوْتِهِ، وَ انْتَصَرُوا بِهِ وَ مَنْ كَانُوا مُنْطَوِينَ عَلَيَّ مَحَبَّتِهِ يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ فِي مَوَدَّتِهِ وَ الَّذِينَ هَجَرْتَهُمُ الْعَشَائِرُ إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ، وَ انْتَفَتَ مِنْهُمْ الْقَرَابَاتُ إِذْ سَكَنُوا فِي ظِلِّ قَرَابَتِهِ فَلَا تَنْسَ لَهُمُ اللَّهُمَّ مَا تَرَكُوا لَكَ وَ فِيكَ، وَ أَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ، وَ بِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ عَلَيْكَ، وَ كَانُوا مَعَ رَسُولِكَ دُعَاءَةً لَكَ إِلَيْكَ وَ أَشْكُرُهُمْ عَلَيَّ هَجْرِهِمْ فِيكَ دِيَارَ قَوْمِهِمْ، وَ خُرُوجَهُمْ مِنْ سَعَةِ الْمَعَاشِ إِلَيَّ ضَيْقِهِ، وَ مَنْ كَثُرَتْ فِي إِعْرَازِ

۱. محمد بن علی ابن بابویه، الخصال، ج ۲، ص ۶۴۰، ح ۱۵.

دینک مِنْ مَطْلُومِهِمْ؛^۱ خدایا، به ویژه اصحاب محمد ﷺ را، آنان که شرط هم نشینی با او را به خوبی پاس داشتند و کسانی که در یاری دادن به حضرتش امتحان دادند، امتحانی نیکو و او را در تمام پیش آمدها کمک کردند و به ایمان آوردنش شتافتند و برای شنیدن دعوتش، بر یکدیگر پیشی جستند و هنگامی که دلیل پیام هایش را به گوش آنان رساند، او را اجابت کردند و آیینش را پذیرفتند و در راه آشکار کردن دینش، از همسران و فرزندان جدا شدند و برای پابرجاشدن نبوتش، با پدران و فرزندان خود جنگیدند؛ و به خاطر وجود او، در آن جنگها پیروز شدند. و کسانی که به رشته محبت او پیچیده شدند، در مسیر دوستی و عشقش، تجارتی را امید دارند که هرگز کسادی و زیان در آن راه ندارد. و آنان که وقتی به دستگیره دین او آویختند، قبایل و عشایرشان از آنان دوری گزیدند و زمانی که در سایه قرب به او آر میدند، خویشاوندانشان از آنان کناره گرفتند. خدایا، لطف را برای اصحاب محمد ﷺ به دلیل آنچه برای تو و در راه تو از دست دادند از نظر مدار و آنان را از خشنودی ات خشنود ساز و نیز به دلیل آنکه مردم را پیرامون دینت گرد آوردند و در حالی که خالصانه ملت را به سوی تو دعوت می کردند، همراه فرستاده ات بودند و برای اینکه در راه تو از شهر و دیار و قوم خود هجرت کردند و از فراخی معاش، به تنگی و سختی دچار شدند و افراد زیادی که برای بزرگداشت دینت ستمها تحمل کردند، پاداش عنایت کن.

این بیانات روشن و صریح ائمه اهل بیت علیهم السلام، دیدگاه و عقیده شیعیان درباره صحابه پیامبر را به خوبی تبیین کرده است؛ بنابراین تهمت هایی که برخی از معاندان و مغرضان بر شیعه وارد کرده اند، از اساس پوچ و عوام فریبی است. نمونه این تهمت ها را می توان در تألیفات ابن تیمیه و به دنبال آن برخی از سلفی و وهابی های معاصر با عناوین و عبارت های مختلف دید که می گویند شیعه از بیشتر صحابه پیامبر برائت و بیزاری می جوید و به آنها ابراز بی مهری می کند. این تهمت زنان پا را فراتر گذاشته اند و بیان می کنند: شیعیان نه تنها برای صحابه پیامبر جایگاه و احترامی قائل نیستند، بلکه با اصحاب رسول خدا ﷺ کینه و دشمنی دارند. ابن تیمیه در منهاج السنه می نویسد: «و هم بیرأون من جمهور هؤلاء بل یتبرأون من سائر أصحاب رسول الله - إلا نفرأ قليلاً نحو بضعة عشر»^۲ شیعیان از جمهور صحابه [که در بیعت رضوان با پیامبر بیعت کردند]

۱. حسین انصاریان، دیار عاشقان: تفسیر جامع صحیفه سجاده،

۲. احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، منهاج السنه النبویه، ج ۱، ص ۳۹.

تبری می‌جویند، بلکه از سایر اصحاب رسول خدا ﷺ نیز بیزاری می‌جویند، مگر از عده خیلی کمی».

وی این ادعا را در موارد متعدد تکرار می‌کند که صحابه مورد مدح شیعیان، فقط ده نفر هستند و بقیه را مورد طعن قرار داده‌اند و آنان به صحابه محبتی ندارند و برای آنها طلب مغفرت نمی‌کنند و به آنها بغض دارند.

همچنین نویسنده دیگری در این باره با کمال بی‌انصافی می‌نویسد: «کتب الشیعه تکفر عامه الصحابه کافه لم ینج من التکفیر سوی قلیل منهم لاتزید عدتهم علی سبعة»^۱ کتاب‌های شیعه تمامی صحابه جز معدودی از آنها را که عددشان به هفت نفر نمی‌رسد، تکفیر می‌کنند». در حالی که این نسبت‌های ناروا، به هیچ‌وجه صحت ندارد و اگر کسی اندک آشنایی با منابع شیعه داشته باشد، متوجه می‌شود سخنان ابن تیمیه و دیگران در این موضوع اتهام‌واهی و کاملاً بی‌اساس و دور از واقعیت است؛ چراکه اولاً برخی از اهل بیت پیامبر ﷺ مانند امام علی، حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام افزون بر بودن از اهل بیت پیامبر، از بزرگان صحابه نیز هستند. ثانیاً ائمه اهل بیت در بیان و رفتار خود بر جایگاه رفیع و مدح و عظمت صحابه تأکید نموده‌اند و علمای شیعه نیز به تبیین این جایگاه پرداخته‌اند؛ به همین دلیل برخی عالمان و اندیشمندان شیعه نیز افزون بر طرح بحث جایگاه صحابه در علم رجال، مستقل نیز به تألیف کتاب در این موضوع پرداخته‌اند که نمونه آن را می‌توان کتاب ارزشمند الصحابه الکرام تألیف علامه محقق آیت الله شیخ محمدعلی احمدیان نجف‌آبادی دانست که در این کتاب ۵۶۷ نفر از صحابه پیامبر خدا را ذکر کرده است.^۲

نکته‌ای که گفتنی است، شیعه بر اساس واقعیات تاریخی، نظریه عدالت تمام صحابه را قبول ندارد؛ زیرا از برخی صحابه رفتارهای ناشایستی سر زد که شایسته صحابه رسول خدا ﷺ نیست؛ مثل ممانعت از نوشتن وصیت‌نامه در روزهای آخر عمر مبارک پیامبر اکرم ﷺ، تخلف بزرگان صحابه از حضور در سپاه اسامه که حضور در سپاه مورد تأکید پیامبر اکرم ﷺ بود، غصب خلافت امام علی علیه‌السلام، حمله به خانه دختر پیامبر حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام و شهادت ایشان، غصب فدک، بدعت‌گذاری در دین و تحریف برخی از مبانی دینی و برخی امور دیگر که بیان از مخالفت و کارشکنی برخی از صحابه با دستورات صریح پیامبر اکرم است. به همین دلیل پیامبر

۱. موسی جارالله، الوشیعه فی نقد عقائد الشیعه، ص ۱۱۰.

۲. این کتاب در سه جلد توسط پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با تحقیق علمی چاپ شده است.

خدا سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در زمان حیات مبارک خود هشدارهایی داده بود که متن سخنان ایشان در مجامع حدیثی شیعه و اهل سنت بیان شده است؛ از جمله این حدیث که در صحیح بخاری نیز نقل شده است:

عَنِ النَّبِيِّ سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: بَيْنَا أَنَا قَائِمٌ إِذَا زُمْرَةٌ، حَتَّى إِذَا عَرَفْتَهُمْ خَرَجَ رَجُلٌ مِنْ بَيْنِنِي وَبَيْنِهِمْ، فَقَالَ: هَلُمَّ، فَقُلْتُ: أَيْنَ؟ قَالَ: إِلَى النَّارِ وَاللَّهِ، قُلْتُ: وَمَا شَأْنُهُمْ؟ قَالَ: إِنَّهُمْ ارْتَدُّوا بَعْدَكَ عَلَى أَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى. ثُمَّ إِذَا زُمْرَةٌ، حَتَّى إِذَا عَرَفْتَهُمْ خَرَجَ رَجُلٌ مِنْ بَيْنِنِي وَبَيْنِهِمْ، فَقَالَ: هَلُمَّ، قُلْتُ: أَيْنَ؟ قَالَ: إِلَى النَّارِ وَاللَّهِ، قُلْتُ: مَا شَأْنُهُمْ؟ قَالَ: إِنَّهُمْ ارْتَدُّوا بَعْدَكَ عَلَى أَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى، فَلَا أَرَاهُ يَخْلُصُ مِنْهُمْ إِلَّا مِثْلَ هَمَلِ السَّعَمِ^۱ [در روز قیامت] درحالی که من [در کنار حوض کوثر] ایستاده‌ام گروهی که من آنها را می‌شناسم را می‌آورند؛ سپس ملکی از ملائکه الهی خطاب به آن گروه می‌گوید به طرف من بیاید. من به ملک می‌گویم: آنها را کجا می‌بری؟ ملک می‌گوید: قسم به خدا آنها را به سوی آتش می‌برم. می‌پرسم: مگر آنها چه کرده‌اند؟ می‌گوید: آنها بعد از تو مُرْتَد شدند و به گذشته تاریک خود بازگشتند. سپس گروه دیگری را می‌آورند که آنها را نیز می‌شناسم؛ آنها را نیز به سوی آتش می‌برند و زمانی که از علت دوزخی شدن آنان می‌پرسم، آن ملک در جواب می‌گوید: آنها بعد از تو مُرْتَد شدند و به گذشته تاریک خود بازگشتند. من گمان نمی‌کنم که آنها از آتش نجات پیدا کنند، مگر مقدار اندکی از آنها.

عایشه همسر رسول خدا سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز بیان می‌کند که بعد از پیامبر، ارتداد و نفاق بین مردم عرب اوج گرفت: «لَمَّا قَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ارْتَدَّتِ الْعَرَبُ قَاطِبَةً وَأَشْرَبَتِ النَّفَاقَ»^۲. امام علی عَلِيٌّ ضمن سفارش یاران و پیروان خود به نگاه‌داشتن احترام صحابه پیامبر خدا سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به این نکته اشاره می‌فرماید که منظور از صحابه، اشخاصی هستند که بعد رحلت رسول خدا، بدعت‌گذار و تحریف‌کننده دین خدا نبودند: «أَوْصِيكُمْ بِأَصْحَابِ نَبِيِّكُمْ لَا تَسْبُوهُمْ الَّذِينَ لَمْ يَحْدُثُوا بَعْدَهُ حَدَثًا وَلَمْ يُوْوُوا مَحْدَثًا؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْصَى بِهِمْ»^۳. در روایت دیگری می‌خوانیم:

سُئِلَ الرَّضَا عَلِيٌّ عَنْ قَوْلِ النَّبِيِّ سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَصْحَابِي كَالنَّجُومِ بَأْيِهِمْ إِقْتَدَيْتُمْ إِهْتَدَيْتُمْ وَعَنْ

۱. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۴۰۷، کتاب الرقاق، باب فی الحوض ح ۶۲۱۵.

۲. عمادالدین اسماعیل ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج ۶، ص ۳۶۶.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۰۵-۳۰۶، ح ۴.

قَوْلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَعُوا لِي أَصْحَابِي؛ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذَا صَحِيحٌ، يُرِيدُ مَنْ لَمْ يُعَيَّرْ بَعْدَهُ وَ لَمْ يُبَدَّلْ. قِيلَ وَ كَيْفَ يَعْلَمُ أَنَّهُمْ قَدْ غَيَّرُوا أَوْ بَدَّلُوا؟ قَالَ لَمَّا يَرُؤُونَهُ مِنْ أَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِيَذَادَنَّ بِرِجَالٍ مِنْ أَصْحَابِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنْ حَوْضِي كَمَا تُذَادُ غَرَائِبُ الْإِبِلِ عَنِ الْمَاءِ، فَأَقُولُ يَا رَبِّ أَصْحَابِي؛ فَيُقَالُ لِي إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحَدْتُوا بَعْدَكَ؛ فَيُؤَخَذُ بِهِمْ ذَاتَ الشَّمَالِ فَأَقُولُ بَعْدًا لَهُمْ وَ سُحْقًا لَهُمْ أَفْتَرَى هَذَا لِمَنْ لَمْ يُعَيَّرْ وَ لَمْ يُبَدَّلْ؛^۱ از حضرت امام رضا عليه السلام سؤال شد درباره معنا و مفهوم حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمودند اصحاب من چون ستارگانند؛ هر کدام را پیروی و متابعت کنید، به مطلب خود می‌رسید و راهنمای شما می‌شوند؛ همچنین از این کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود: اصحاب مرا به من واگذارید. حضرت رضا عليه السلام فرمود: این گفتار صحیح است؛ ولی مقصود از اصحاب، افرادی است که بعد از او تغییر و تبدیل در دین ندادند. سؤال شد چگونه بدانیم اصحاب، تغییر و تبدیل داده‌اند؟ فرمودند: از اینجا بدانید که شما این حدیث را روایت می‌کنید که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در روز قیامت مردانی از اصحاب من از حوض من ممنوع می‌شوند؛ چنان‌که شتران غریبه میان جماعت شتری از آب ممنوع شوند؛ پس من عرض کنم پروردگارا اصحاب من، به من گفته می‌شود که تو نمی‌دانی آنچه بعد از تو احداث کردند؛ پس آنها را بگیرند و رو به شمال به طرف دوزخ کشند. من بگویم بعدا لهم و سُحْقًا. در ادامه، حضرت رضا عليه السلام فرمود: آیا این گفته پیغمبر از برای کسی است که تغییر و تبدیل نداده است؛ البته از برای کسانی است که تغییر و تبدیل دادند.

با این بیانات صریح، مشخص می‌شود صحابه کسانی هستند که حرمت مصاحبت با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را حفظ نمودند و بر عهد و پیمان‌شان با آن حضرت وفادار ماندند و تا آخر عمر بر محور دین و شریعت الهی باقی ماندند؛ بر این اساس صحابه‌ای که بر این محور و مدار حرکت نکردند، مورد تکریم و احترام و دارای جایگاه نیز نیستند؛ به قول شاعر خوش‌سخن حافظ شیرازی:

نه هر که چهره برافروخت دلبـری داند	نه هر که آینه سازد سکندری داند
نه هر که طرف کله کج نهاد و تند نشست	کلاه‌داری و آیین سروروری داند
غلام همت آن رنـد عافیت سوزم	که در گداصفتی کیمیاگری داند

۱. محمد بن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۱۹.

هزار نکته باریک‌تر ز مو اینجاست نه هرکه سر بر تراشد قلندری داند گفتنی است کتاب عدالت صحابه در پرتو قرآن، سنت و تاریخ تألیف آیت‌الله محمدآصف محسنی برای دریافت توضیح بیشتر درباره صحابه ارزشمند است؛ نویسنده در این کتاب، عدالت صحابه را با نگاه تقریب بین مذاهب ارزیابی کرده است. پرداختن به مفهوم صحابه نزد عالمان شیعه و سنی و اثبات وجود فسق و نفاق برخی از صحابه با توجه به آیات قرآن، از مباحث این کتاب است. نویسنده همچنین نسبت تکفیر به همه صحابه از سوی شیعیان را رد کرده است.^۱ همچنین مطالعه کتاب صحابه در قرآن اثر علی خراسانی سودمند است. نویسنده در پایان این کتاب به «عدالت صحابه» پرداخته است. عدالت صحابه نزد اهل سنت و مستندات قرآنی آن، عدالت صحابه نزد شیعه و مستندات قرآنی آن و ادله منکران عدالت صحابه از مباحث این کتاب است.^۲

فهرست منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه
۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه المدرسین، ۱۳۶۲.
 ۲. _____، عیون اخبار الرضا، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: صدوق، ۱۳۷۲.
 ۳. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنّة النبویة فی نقض کلام الشیعة و القدریة، بیروت: دار الکتب العلمیه، [بی تا].
 ۴. ابن کثیر، عمادالدین اسماعیل، البدایه و النهایه، چ اول، بیروت: دار الإحياء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
 ۵. احمدیان، محمدعلی، الصحابه الکرام، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵.
 ۶. انصاریان، حسین، دیار عاشقان: تفسیر جامع صحیفه سجادیه، تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۳.
 ۷. بخاری، محمد ابن اسماعیل، صحیح البخاری، تحقیق: مصطفی دیب البغا، بیروت: دار

۱. محمدآصف محسنی، عدالت صحابه در پرتو قرآن، سنت و تاریخ، مترجم: عصمت‌الله خلیلی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۴.

۲. علی خراسانی، صحابه در قرآن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۱.

النشر، [بى تا].

۸. جارالله، موسى، الوشيعه فى الرد على عقيدة الشيعة، قاهره: مطبعه الكيلاني، [بى تا].
۹. خراساني، على، صحابه در قرآن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامى، ۱۴۰۱.
۱۰. راغب اصفهاني، ابوالقاسم حسين بن محمد، المفردات فى غريب القرآن، تحقيق: صفوان عدنان داوودى، بيروت: الدار الشاميه، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. رضوى، سيد مرتضى، آراء علماء المسلمين فى التقيه و الصحابه و صيانه القرآن الكريم، بيروت: الارشاد للطباعة والنشر، ۱۹۹۱ م.
۱۲. زمانى، مصطفى، ترجمه و شرح نهج البلاغه، قم: الزهراء، ۱۳۶۹.
۱۳. عسقلاني، ابن حجر، الإصابة فى تمييز الصحابة، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود و على محمد معوض، بيروت: دار الكتب العلميه، ۱۴۱۵ ق.
۱۴. مجلسى، محمد باقر، بحار الأنوار، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. محسنى، محمد آصف، عدالت صحابه در پرتو قرآن، سنت و تاريخ، مترجم: عصمت الله خليلی، قم: بوستان كتاب، ۱۳۹۴.